

般若者何由 心動 行得般若者 見五蘊皆

درباره ی متون مقدس

سوره دل

سودابه کریمی

پرجینیا و تهیت

به طور کلی موضوع اصلی پرجینیا پارمتیا تعلیم فلسفه شونیتا یا "تهیت" است. "تهیت" به مثابه یک اصطلاح روحی، اشاره است به نفی کامل جهان پیرامون ما و آزادی تمام از آن؛ دین معناست. سخنان هوهایی، استاد ذن سلسله تانگ می‌گوید: "چون دل به چیزی بسته نباشد، این تهیت است" یا "تهیت" همان دل نیستن است. "آزادی، در فهم تهیت تمیزها است. اما تهیت در معنای یک اصطلاح فنی، در مهائانه اشاره است به نبودن هر گونه "خود" یا روان. نخست آن که همه درمه‌ها یا "چیزها" تهی‌اند، به این معنی که در واقعیت یا هستی آن‌ها "خود"ی نمی‌توان یافت و چیزی ندارند که بدان وابسته باشند. دوم آن که همه درمه‌ها تهی‌اند یا درخودهیچ‌اند. در معنای نهایی، درمه‌ها چون موجودات جداگانه، هستی ندارند. اگر درمه‌ای "ناشروط" یا نامقید (مطلق) فرض شود باز هم تهی است. به طور کلی "تهیت" در این معنای فنی خود به دو معنی به کار برده می‌شود:

و ترجمه های گِمل و د.ت. سوزوکی.^۱ سوره دل از کوچک‌ترین سوره‌های پرجینیا پارمتیا است که مفهوم شونیتا یا تهیت را به طور کامل بیان می‌کند. کهن‌ترین متن پرجینیا پارمتیا در هشت هزار شلوکه^۲، یا قطعه شعر، و سی و دو دفتر، در حدود سال‌های ۱۰۰ پیش از میلاد تا ۱۰۰ میلادی پدید آمد. در آغاز عصر مسیحی، پرجینیا پارمتیای بنیادی به یک پرجینیا پارمتیای بزرگ‌تر تحویل یافت. امروزه این پرجینیا پارمتیای بزرگ به شکل سه متن متفاوت درآمد است؛ یعنی پرجینیا پارمتیا در ده هزار قطعه (آشته ساهسریکا)، پرجینیا پارمتیا در هجده هزار قطعه (آشته دشه ساهسریکا)، و پرجینیا پارمتیا در بیست و پنج هزار قطعه. این سه متن، در واقع یک متن است؛ یعنی پرجینیا پارمتیای بزرگ یا مه‌پرجینیا پارمتیا. با سوره‌های پرجینیا پارمتیا، دوره نوی در آیین بودا آغاز می‌شود، که غالباً در کتاب‌های غربی از آن به "قرزانیگی نو"^۳ یاد می‌کنند. این سوره‌ها با مفهوم "تهیت"، خود تحول شگرفی در فلسفه و دین بودایی پدید آوردند.

نخستین بار از طریق بودائیان هندی بود که چینی‌ها با آیین بودا آشنا شدند. این آشنایی سرانجام به شکل جدیدی از فرهنگ بودایی در شرق آسیا انجامید که کشورهای کره، ژاپن و چین را در برمی‌گرفت. با آنکه شناخت کره ای‌ها از ادبیات بودایی به شدت رنگ و بوی چینی داشت، مع الوصف تأثیر هندی‌ها بر آن آشکار است.

سوره دل از جمله متون مهائانه است که اگرچه به طور عام توسط همه پیروان این دین خوانده می‌شود، به طور خاص به کشور کره تعلق دارد. این سوره در اصل به زبان سانسکریت نوشته شده (به عنوان بخشی از مه‌پرجینیا پارمتیا هریدیه سوتره)، اما با ورود آیین بودا به چین به انضمام دیگر متون پرجینیا پارمتیا توسط کوما رچیوه به چینی ترجمه شد. چندین برگردان انگلیسی از این آثار در دست است، به خصوص ترجمه انگلیسی بیل در کتاب اش "زنجیره کتاب‌های مقدس بودایی"، ترجمه ماکس مولر در سلسله انتشارات "کتاب‌های مقدس شرق"،



متن سوره دل^۸

اینک تمام متن "سوره دل" که د.ت. سوزوکی آن را از زبان سنسکریت ترجمه کرده است، با ترجمه فارسی ع. پاشایی این جا آورده می‌شود.

"آن گاه که بواسف اولو کیشتوره به تمرین برجینیپارمیتای ژرف پرداخته بود، دریافت که پنج توده هسته و دید که این‌ها از "خود" بود تھی است.

ای شاری پوتره، این‌جا کالبد، تھییت (یا تھی) است، تھییت کالبد است، کالبد جز تھییت نیست، تھییت جز کالبد نیست، هرچه کالبد است تھییت است، هرچه تھییت است کالبد است، درباره احساس، ادراک، حالات دل و

دانستگی نیز چنین می‌توان گفت. ای شاری پوتره، این‌جا همه چیز نشان تھییت دارد، زاییده نشده است، نیست نشده است، آلوده نیست، نیالوده نیست، افزون نمی‌شود، کاهش نمی‌یابد، پس ای شاری پوتره، در

تھییت نه کالبد است، نه احساس، نه ادراک، نه حالات دل، نه دانستگی، نه چشم، نه گوش، نه بینی، نه زبان، نه تن، نه جان، نه شکل، نه صدا، نه بو، نه مزه، نه لمس،

نه شناسه‌ها، نه دانوی دیدن، تا می‌رسیم به نُه دانوی دانستگی، نه شناختی در کار است نه نادانی، نه خاموشی شناخته، نه خاموشی نادانی، تا می‌آیم به این که نه

پیری و مرگ، نه رنج هست، نه اندوختن، نه نیستی، نه راه، نه شناخت هسته، نه رسیدن و نه دریافت؛ چراکه رسیدنی در کار نیست. در دل بوداسفی که بسته به

برجینیپارمیتا منزل می‌کند موانعی نیست و چون در دل او موانعی نیست او را بی‌می‌نست و با رفتن به آن سوی نظرهای گمراه، به فرجامین نیراونه می‌رسد.

همه بوداییان گذشته، حال و آینده، با بستگی به برجینیپارمیتا، به روشن‌شدگی بی‌برتر کامل می‌رسند. پس باید دانست که برجینیپارمیتا، منتره بزرگ

است، منتره شناخت بزرگ، بزرگ‌ترین منتره، منتره بی‌همتا، که در خور کاستن از هر دردی است، حقیقت است چون دروغ نیست. آن منتره که در برجینیپارمیتا

باز گفته شده چنین است: "گینه، پارسم گنه، بودی، سواها!"، "ای بودی، رفته، رفته، رفته، فرانشسته در ساحل دیگر، سواها!"

تحلیل سوره دل

همان‌طور که می‌بینید، نخست با یک سلسله فنی و افکارها رویه‌رویم: نفی پنج توده، هجده داتو، نفی دوازده آیته (شش حس و موضوعات آن‌ها)، نفی دوازده حلقه زنجیر علی، نفی چهار حقیقت جلیل، و در پایان

این نفی‌ها، نه دانشی هست و نه هیچ‌گونه "یافت" و رسیدن و داشتنی، یعنی از چیزی که نتیجه استدلال نسبی است آگاه و به یکباره از هر مانع، یعنی از خطاها

و سرگشتگی‌هایی که از عقل و تعقل پینا می‌شود آزاد است. چون دریافتی از این سرشت در میان نیست و دل

۱. همه چیز تھی است، یعنی چیزها نسبی‌اند و از خود جوهر یا واقعیت مستقلی ندارند و مقید و مشروط‌اند، یا آمیخته‌اند؛ یعنی ساخته و به هم کرده یک سلسله علت‌ها و شرط‌ها هستند و از این رو ناواقعی و خیال‌یافته‌اند.

۲. مطلق، تھی است یا خود "تھییت" است؛ چون از هر صورت تجربی خالی است، به هیچ یک از مقولات اندیشه در نمی‌آید و درباره آن نمی‌شود گفت "هست" یا "نیست" یا "هم هست و هم نیست" یا "نه هست و نه نیست". از این رو رونده یا متعالی است؛ به این معنی که ورای اندیشه است.^۵

برجینیا پارمیتا مقصود هرگونه تربیت بودایی است. اما چون به آن برسند یا آن را ببینند، در واقع چیزی نیست که کسی بتواند بگوید به آن رسیده یا آن را یافته است. این است معنای چنین عباراتی: "ادراک "چینی" در "چینی" نیست"، "تنهایی مطلق با تنهایی مطلق دریافته نمی‌شود"، چیزی کامل شده است، و با این همه ما را تمیزی در کار نیست؛ چراکه برجینیپارمیتا تمیزدهنده نیست" و مانند این‌ها.

ایست‌گاه^۶ یا پایگاه مرشدان برجینیا پارمیتا همیشه ورای این جهان نسبیت است. به نظر چنین می‌آید که به این ترتیب آنان جهان را نفی می‌کنند، چون آن را مایه، خواب و پژواک و مانند این‌ها می‌دانند. حتی هنگامی

که به زوایای خود "تھییت" اشاره می‌کنند آن را نیز تھی می‌دانند. "تھییت" جای ثابتی ندارد. مطلق است و مخالف نمی‌خواهد؛ از این رو بی‌نشان و بی‌صفت مطلق است.

"چینی" یکی از آن اصطلاحات دل‌خواه آنان است که "تھییت" را بنان می‌مانند. برای جان‌های دوگانه‌اندیش، درک "تھییت" مطلق یا خلوت مطلق به راستی بسیار دشوار است.

"تھییت" هنگامی مطلق است که "بیخته" نباشد؛ یعنی هرگونه نشانه و صفت یا محمولی را نفی کند. تا زمانی که به درونی یا بیرونی، آفریده یا نیافریده جوهر یا نمود اشاره

می‌شود، "تھییت" هنوز مطلق نیست و همچنان، نسبی و نشانه‌مند و محمول‌دار است. باید همه را کنار گذاشت. "تھییت" باید از هر بندی آزاد باشد تا جلوه‌های حقیقی‌اش

با خوف آغازین‌شان ما را شیای خود کند.^۷

فراوانی آثار برجینیپارمیتا و تکرار فراوان آن‌ها، یقین به معنای آن‌ها را با مشکلاتی مواجه کرد. چنین شد که سوره‌های کوتاه‌تر و تلخیص‌ها یا خلاصه‌های

متن بزرگ پیدا شدند. سوره دل یا برجینیپارمیتا هر دیده سوتره شامل چهارده تا بیست و پنج قطعه شعر است که بیان مجدد چهار حقیقت جلیل است در پرتو

مفهوم "تھییت": ۱. زندگی رنج است. ۲. این رنج از اندوختن کرمه بد پینا می‌شود. ۳. علت رنج را می‌توان از بین برد. ۴. راهی (هشت‌گانه) هست که به راهی از رنج می‌انجامد.

تماماً از هرگونه مانعی آزاد است؛ یعنی اندوه‌ها، ترک‌ها، فریفتگی‌ها. چون این کار تحقق یافته نیراونه حاصل می‌شود. نیراونه و روشن‌شدگی (= سم بودی) یک و همان‌اند. به این ترتیب تمام بوداهای گذشته و حال و آینده از برجینیپارمیتا پینا می‌شوند. برجینیپارمیتا مادر بوداگی و بوداسفی است.

تا این‌جا می‌توان گفت که هریدیه با دل برجینیپارمیتا هماهنگ است. با نفی آغاز می‌کند و با یک اثبات، که به زبان بودایی روشن‌شدگی خوانده می‌شود، پیوند می‌یابد. نباید "تھییت" را با عدم و هیچی اشتباه کرد. این

سوره واقعیت جهان را نفی نمی‌کند؛ بلکه آن را ارزشی بر اساس فردیت دانسته و بران می‌کند. سپس جهانی آزاد و درخشان در برابر ما پدیدار می‌شود، و فروغ نوی بر

جهان پیشین می‌تابد. هریدیه پس از یک ردیف نفی‌ها سرانجام ما را به چیزی قطعی و مثبت می‌رساند.

برجینیپارمیتایی که به این ترتیب از نفی‌ها اثبات پدید می‌آورد منتره‌ای بی‌همتا است.^۹

پی نوشت:

۱. از دیگر ترجمه‌های این سوره به زبان انگلیسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- * The Heart Sutra Translated by The Buddhist Text Translation Society
- * The Heart Sutra Translated by E. Conez
- * The Heart Sutra Translated by The Dragon Flower Ch'an Temple
- * The Heart Sutra Translated by Allen Ginsberg
- * The Heart Sutra Translated by Leon Hurtz
- * The Heart Sutra Translated by Truc Huy
- * The Heart Sutra Provided by Francis Ho
- * The Heart Sutra Translated by Eric Larson
- * The Heart Sutra Translated by The Nalanda Translation Committee
- * The Heart Sutra (PDF Reader Required) Translated by Charles Patton
- * The Heart Sutra Translated by Jerry Pevahouse
- * The Heart Sutra (PDF Reader Required) Translated by Geshe Michael Roach
- * The Heart Sutra Provided by San Francisco Zen Center
- * The Heart Sutra Translated by Dharma Master Lok To

- 2. PrajnaParamita
- 3. Sloka
- 4. New Wisdom

۵. ع. پاشایی، فراسوی فرزاتگی، صص ۶۳ و ۶۲. ۶. sthana

۷. پیشین، صص ۹۴-۹۶

۸. ب.ل. سوزوکی، راه بودا، صص ۱۲۹-۱۳۰

۹. د.ت. سوزوکی، جستارهایی در آیین بودای ذن، جلد سوم، به نقل از ع. پاشایی، فراسوی فرزاتگی، صص ۳۴۷-۳۴۸